



سنجه ترازو

دکتر سید علی موسوی گرمارودی

نقدی بر کتاب «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» نوشته: محمد علی کوشا، انتشارات کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۲، چاپ اول، ۲۸۰ صفحه، قطع وزیری.

ایرانیان، این خجستگی و افتخار را دارند که نخستین مترجمان قرآن کریم اند. و اگر سلمان پارسی را نخستین مترجم قرآن به زبان فارسی بدانیم - که هست -؛ سابقه ترجمه قرآن به فارسی، به زمان خود پیامبر (ص)، بازمی گردد. این پیشینه فرخنده و خجسته، پس از ورود اسلام حتی به دورترین قلمرو حکومت ایران یعنی خراسان بزرگ و ورا رود، در آخر ربع اول قرن اول هجری، اگر پیایی، پیگیری نشده باشد، دست کم از اواخر قرن سوم به بعد، به گواهی ترجمه های فارسی بازمانده، [همچون ترجمه قرآن قدس] و امثال آن، دنبال شده است.

دغدغه رعایت امانت، بیش از هزار سال، ترجمه فارسی قرآن را در چهار چوب ترجمه لفظ به لفظ زندانی کرد و حتی گاهی ساختار زبان ترجمه ها را از فارسی به سوی ساختار عربی، سوق داد. هر چند که در این میان، گاهی مترجمی یافته می شود، از سیاق زبان فارسی، بیرون نرفته و آثار بسیار زیبایی، از خود بر جای نهاده است مانند برخی از ترجمه های طبری و برخی از ترجمه های میدی و برخی از ترجمه های ابوبکر عتیق نیشابوری و امثال آنها.^۱

در پنجاه سال اخیر، کوشش هایی انجام گرفت تا ترجمه قرآن را با حفظ و رعایت امانت، از سیاق زبان فارسی، خارج نسازد. به عبارت دیگر؛ بین وفاداری و زیبایی، آشتی دهد.^۲

بهترین نمونه این کوشش، پیش از انقلاب، به نظر این جانب، ترجمه ابوالقاسم پاینده است. پس از انقلاب؛ گویی نهضتی در ترجمه قرآن، روی داده است که بی گمان، بسیار خجسته است و به نمونه های زیبای وفادار^۳ افزوده. این تحول، هر چند ترجمه های قرآن کریم را از زندان

«تحت اللفظ» نجات داده است؛ اما بیم آن می‌رود که، «دغدغه امانت» را کم‌کم، کم‌رنگ کند. منتقدین، اهرم‌های ارزشمندی هستند که می‌توانند، مترجمان قرآن را، از سقوط به ورطه‌های ولنگاری در ترجمه قرآن و دور شدن از امانت، باز دارند.

یکی از کوشاترین منتقدین در این عرصه، دانشمند محترم جناب آقای محمد علی کوشاست. ایشان در طول ده سال اخیر، در مجله‌های قرآنی معتبر چون ترجمان وحی، میراث جاویدان و بینات، نقد و بررسی‌های عالمانه‌ای از ترجمه‌های تازه قرآن به عمل آورده‌اند که بی‌گمان در بهبود ترجمه‌ها مؤثر بوده است.

اخیراً مجموعه هشت مقاله از نقدهای خود را در کتابی با نام «ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد»، به چاپ سپرده و منتشر کرده‌اند. ما در این مقاله برآنیم که این ترازو را، در ترازوی سنجش بگذاریم:

شش نقد اول در این کتاب یعنی نقد ترجمه‌های دکتر ابوالقاسم امامی [دو نقد] و عبدالمحمد آیتی و بهاء‌الدین خرمشاهی و محمد مهدی فولادوند و دکتر مصطفی خرم دل، قبلاً در مجلات میراث جاویدان و یا ترجمان وحی چاپ شده است و نقد ترجمه احمد آرام از آیات قرآن کریم در الحیات، در مجله بینات چاپ شده، و نقد ترجمه خانم فاطمه مشایخ از تلخیص المیزان، قبلاً جایی چاپ نشده است.

این قلم، ضمن آنکه، کتاب مورد بحث را یکی از سودمندترین و با ارزش‌ترین آثار نقد در زمینه ترجمه‌های قرآنی و چنانکه عرض شد، در این زمینه آن را راهگشا و از کتب مرجع و شایسته توجه دانشجویان در دانشکده‌های علوم قرآنی می‌داند؛ اما به چند نکته که در هنگام خواندن آن، به نظر رسیده است، اشاره می‌کند:

در نقد ترجمه آقای دکتر ابوالقاسم امامی، هم ترجمه چاپ اول و هم ترجمه چاپ دوم را نقد کرده‌اند. در نقد چاپ اول، مجموعاً ۷۲ مورد ایراد بر ترجمه ایشان گرفته‌اند و پنج مورد نیز غلط چاپی را یاد آور شده‌اند.

اما، در نقد دوم، خواننده نمی‌داند که ناگهان چه پیش آمده است که ترجمه او را فراتر و برتر از شاهنامه فردوسی می‌داند و از جمله می‌نویسد که: ترجمه ایشان «خداینامه ای برتر» از شاهنامه است؛ عین عبارات ایشان، این است:

اگر آن روز، ابوالقاسم فردوسی که مأخذ اثر بی‌ماندش، آثار منشوری چون «شاهنامه ابومنصوری» و «خداینامه‌ها» بوده و او هنرمندانه، از آن افسانه‌ها - به شیوه سخنوری و سخن پردازی - زیباترین اثر منظوم و پربارترین پیام پر ارج فرهنگ ساز، از خود بر جای

نهاده است، اکنون ما امروزه شاهد «خداینامه‌ای» برتر که برگرفته از بهترین کتاب عالم وجود است، می‌باشیم.^۳

توجه داشته باشید که ایشان نمی‌گویند که ترجمه آقای امامی چون اصل آن قرآن است، برتر از شاهنامه است که منشأ آن، داستان است بلکه می‌گویند «ترجمه آقای امامی» خداینامه‌ای برتر از شاهنامه فردوسی است.

در کشوری که شاهنامه شناسان و سخن شناسان بزرگی چون استاد دکتر شفیعی کدکنی، استاد دکتر امین ریاحی، دکتر حمیدیان، دکتر خالقی مطلق و نظایر آنان را دارد، برتر دانستن ترجمه جناب آقای امامی از فردوسی، یا نتیجه نشناختن فردوسی است یا دوستی بی‌اندازه با آقای دکتر امامی.

بی‌گمان، جناب آقای کوشا، فردوسی را می‌شناسند. بنابراین باید گفت که این قضاوت، تنها در نتیجه دوستی و نگاه مهرآمیز و به قول قدما، «عین الرضا» است. همین «عین الرضا» سبب شده است که ایشان، در نقد چاپ دوم از ترجمه آقای امامی، به تعریف بسنده کنند.

بنده هم، ترجمه جناب آقای دکتر امامی را که از دانشمندان برجسته کشورند، ارج می‌نهم و حتی در ترجمه ناقابل خویش از قرآن که زیر چاپ دارم، یک مورد از پیشنهاد بسیار زیبای ایشان «گرسنگی و بیم فراگیر» در برابر «لباس الجوع والخوف»^۴ استفاده کرده‌ام و در زیر نویس، یادآور هم شده‌ام: اما همه ما، بشریم و بشر از خطا مصون نیست.

اگر آقای کوشا، با عین الرضا به چاپ دوم ترجمه قرآن آقای دکتر نمی‌نگریستند، برخی لغزش‌ها را - که در کار همه ما مترجمان کم و بیش هست - در ترجمه ایشان یاد آور می‌شدند ولی از قدیم گفته‌اند: «و عین الرضا عن کل عیب کلیلة».

بنده برای آنکه رجم به غیب نکرده باشم به چند مورد در ترجمه جناب آقای دکتر امامی اشاره می‌کنم:

۱. آقای دکتر امامی در آیه ۱۱۱ از همان سوره نحل، یعنی یک آیه پیش از همان آیه‌ای که ترجمه بسیار زیبای ایشان را یاد آور شدم، «تجادل عن نفسها» را «در کار خویش ستیز کند» ترجمه فرموده‌اند، در حالی جدال چون با «عن» متعدی شود بمعنی دفاع است نه ستیز.

۲. آقای امامی، کلمه «خود» را جمع بسته‌اند. ترجمه آیه ۱۱۱ سوره توبه، ص ۲۰۴ «خداوند از گرویدگان، خودهاشان را و خواسته‌هاشان را خریده است، به بهای این که بهشت از آن‌شان است...»

۳. در ترجمه آیه ۷ سوره آل عمران، راسخون فی العلم را فرورفتگان در دانش معنی فرموده‌اند، در حالی که استاد بدیع الزمان فروزانفر، «راسخ» را پابرجا و استوار معنی کرده است.^۵

۴. آخر آیه ۱۳۶ از سوره مبارک فاطر یعنی «له الملك و الذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر» را چنین ترجمه فرموده اند: «... پادشاهی، او راست. کسانی که از فرو دست او می خوانید، هسته رشته ای نتوانند، در حالی که قطمیر اگر چه در لغت به معنی نخواره ای است که در هسته خرماست؛ در اینجا اصطلاح است یعنی «سر سوزنی» یا ذره ای.

۵. در ترجمه آیه ۱۱ سوره کهف: یعنی «فضر بنا علی آذانهم» که باز یک اصطلاح است یعنی آنان را به خواب بردیم؛ ترجمه فرموده اند: گوش هاشان را بر بستیم (ص ۲۹۴).

۶. در آیه ۲۷ از سوره دخان، نعمت را با نعمت اشتباه فرموده اند.

۷. لو نشاء را در سوره محمد: آیه ۳۰ «اگر بخواهیم» معنی فرموده اند، در حالی که [جز یک مورد استثنا که در کتب ادبی از جمله مغنی آمده است] تقریباً همیشه بعد از «لو» هر فعل و لو مضارع باشد؛ معنی ماضی می یابد؛ یعنی ترجمه «لوشاء» در این آیه «اگر می خواستیم» است نه «اگر بخواهیم».

۸. در آیه ۷۷ سوره مؤمنون: «اذا» ظرف زمان مستقبل است، بنابراین در ترجمه «حتی اذا فتحنا علیهم بایاً ذا عذاب شدید» که فرموده اند: «تا چون دری از عذاب سخت بر آنان گشودیم»، نادرست و بگشاییم درست است.

۹. در ترجمه «الا إناهم یثنون صدورهم لیستخفوا منه» فرموده اند: «هان، آنان سینه هاشان را دو تا کنند که از او نهان بدارند»، که بنده دو تا کردن سینه را واقعاً در نیافتم به چه معنی است.

خوب، قرار نبود که بنده ترجمه جناب آقای دکتر امامی را نقد کنم؛ بلکه تنها می خواستم یادآوری کنم که جناب آقای کوشا که مشابه موارد ذکر شده در بالا را، در مورد چند مترجم دیگر، با دقت ذکر فرموده اند، چرا در مورد جناب آقای دکتر امامی، چشم پوشی فرموده اند. در حالی که در ترجمه ایشان از مواردی که ذکر کردم بسیار یافته می شود و من تنها به عنوان نمونه آن چند مورد را ذکر کردم و چنانکه عرض کردم قرار نیست که من، ترجمه استاد محترم جناب آقای دکتر امامی را نقد کنم؛ قرار بود و هست که کتاب نقد آقای کوشا، سنجیده شود؛ بنابراین به چند مورد در کتاب جناب آقای کوشا، اشاره می کنم:

۱. در نقد بر چاپ اول ترجمه استاد امامی، از صفحه ۱۹ کتاب؛ جناب آقای کوشا مرقوم فرموده اند:

در ترجمه آیه ۲۱۶ بقره «کتب علیکم القتال» دکتر امامی مرقوم فرموده بوده اند: «بر شما جنگ نوشته اند.»

آقای کوشا ایراد گرفته اند که کتب مفرد است نه جمع و باید ترجمه می شد بر شما جنگ نوشته

شده.

این ایراد، درست نیست زیرا از راه‌های مجهول کردن فعل در زبان فارسی، استفاده از صیغه جمع است. بنابراین، ترجمه جناب آقای دکتر امامی، کاملاً درست و نیز فصیح‌تر است از «بر شما جنگ نوشته شده» است.

۲. آقای کوشا، همین ایراد را بر ایشان در ترجمه «و اذ انقر فی الناقر»، در صفحه ۴۱ کتاب خویش گرفته‌اند، که آن هم به همین دلیل، نارواست. و حق با جناب آقای دکتر امامی است.

۳. در صفحه ۳۰ از ترجمه آقای امامی ایراد گرفته‌اند که «و نحن نسبح بحمدک» را «ما خود تو را با سپاس، ستایش می‌کنیم» ترجمه کرده‌اند در حالی که باید «و ما با ستایش (تو را) به پاکی می‌ستاییم» ترجمه می‌کردند.

در اینجا هم، حق با آقای دکتر امامی است زیرا نخستین معنی حمد، «سپاس» است و البته «ستایش» هم معنی دیگر آن است.

۴. در نقد بر ترجمه استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، در ص ۱۵۳، بر ترجمه استاد ایراد گرفته‌اند که «انا لموسعون» را در آیه ۴۷ سوره ذاریات، «ما توانمندیم» معنی کرده‌اند در حالی که باید «ما خود گسترش دهنده (آن) ایم» ترجمه می‌کردند.

باید عرض کنم که ابن قتیبه دینوری در کتاب غریب القرآن خود، (صفحه ۴۲۲، چاپ ۱۹۸۵ مصر)، آن را قادرون معنی کرده است؛ پس حق با استاد خرمشاهی است.

۵. در صفحه ۱۶۶ کتاب خود، از استاد محمد مهدی فولادوند ایراد گرفته‌اند که با توجه به ضمیر هن در آیه ۱۸۷ سوره بقره در «ولا تبشروهن»، آوردن ترجمه خود ضمیر، اولی است.

ایراد من در این مورد به آقای کوشا این است که همین ایراد، عیناً در ترجمه آقای دکتر امامی نیز مشهود است؛ اما آقای کوشا از ایشان ایراد نگرفته‌اند و از دکتر فولادوند گرفته‌اند. دوباره و عین الرضا...

۶. در نقد بر ترجمه استاد آرام، در صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ که مرحوم استاد احمد آرام، در ترجمه «افلا يتدبرون القرآن»، آورده‌اند: «آیا در قرآن نمی‌اندیشند»؛ مرقوم فرموده‌اند:

«ترجمه دقیقی نمی‌تواند باشد، زیرا در هیچ کتاب لغتی، ذَبْرًا «فی» (= در) نیامده است...» که باید عرض کنم این (در)، متعلق به اندیشیدن در فارسی است و نه تدبّر در عربی. ما در فارسی می‌گوییم اندیشیدن در قرآن و نمی‌گوییم قرآن اندیشیدن، یا اندیشیدن قرآن.

کتاب از غلط چاپی نیز، خالی نیست. هر چند غلط چاپی هشت پا (یا آختاپوس) چاپ در ایران است و هر اندازه دقت شود، باز به پر و پای کتاب، می پیچد. به یک دو مورد، اشاره می کنم: - در صفحه ۱۷۴ کتاب، در نقل ترجمه آقای دکتر امامی از آیه ۷ سوره اسراء نوشته اند: «پس هر گاه وعده پسین فرارسد» در حالی که در ترجمه آقای دکتر امامی «پس هرگاه وعده پسین بار فرا رسد» آمده است. رجوع فرمایید: قرآن مجید، با ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، چاپ اول، انتشارات اسوه، ص ۲۸۲، ذیل آیه هفتم از سوره مبارک اسراء.

در صفحه ۱۸۶ نام سوره الرحمن، آیه ۷۲ به اشتباه سوره واقعه، آیه ۷۲ آمده است.

- در صفحه ۱۸۷ شماره آیه های سوره معارج، در تقدی که بر ترجمه استاد فولادوند نوشته اند، نیامده است که صحیح آن معارج، آیه های ۲۰ و ۲۱ است.

اجازه بفرمایید که به همین موارد بسنده کنیم و سخن آخر را بگوییم و آن اینکه، هیچ یک از این موارد، از ارزش گرانسنگ کتاب نمی کاهد. شخص من در ترجمه خویش از قرآن، از آن بهره های بسیار برده ام و چنانکه قبلا هم عرض کردم، بی گمان، این اثر ارزشمند، بر ترجمه های آینده در جهت دقت و امانت، تأثیر بسیار خواهد گذارد. توفیق روزافزون مؤلف دانشمند و محترم آن را از خداوند خواستارم و جزاه الله عن القرآن خیر الجزاء.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بهترین مرجعی که هم آن قاعده و هم این استثنایها را با سیری سنوی، عالمانه بررسی کرده است، دکتر آذرنوش در کتاب ارزشمند خود، «تاریخ ترجمه فارسی» است.

۲. فرانسوی ها گفته اند ترجمه به زن می ماند، اگر زیبا باشد، وفادار نیست، اگر وفادار باشد، زیبا نیست!

۳. محمد علی کوشا، ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد/ ۴۷.

۴. در سوره مبارک نحل، آیه ۱۱۲.

۵. ر. ک: فروزانفر، فرهنگ تازی به پارسی/ ۳۴۵.